

## در عقب درهاي بسته سياسي ونظامي کشورچه ميگذرد؟؟؟

بخش نخست - پژوهش { نبرد - زميرو اسكاري }



( پوسيدگي دولت ، دشوارهاي ملت ، فرجام لشكرکشي  
آمریکا ، سياستهاي دوپهلوي ايران ، پلا نهاي خصمانه  
پاکستان ، حقايق ناگفته و رازهاي نهفته )

## پوسيدگي دولت ودشواري هاي ملت



سوقصد به كرزى در مراسم هشت ثوردر حالي كه مراسم به صورت مستقيم از تلويزيون دولتي پخش مي شد،  
وضعيت وخيم و بحراني افغانستان و افزايش قدرت طالبان را در کشور دوباره به صحنه رسانه ها و افكار عمومي  
كشيد. بويژه اين كه براي اين مراسم كه در آن علاوه بر كرزى رؤساي قواي سه گانه، رهبران جنگ سالار، سفرای  
آمریکا و انگلیس و تعدادی مهمان خارجی ، نماینده سازمان ملل در کابل، فرماندهان ناتو و جمعی از شخصیت های  
سیاسی حضور داشتند، شدید ترین تدابیر امنیتی، و مجهزترین تیم محافظان تدارک دیده شده بود تا نمایش تثبیت  
اوضاع افغانستان موثر واقع شود.

بگذریم از این كه خود انتخاب هشت ثور به عنوان مینایی در برگزاری جشن ملی يك دهن كجی شنيع به هر چه  
جشن ملی و غيرملی بود. زیرا این روز روزی بود كه رژیم سرکوبگر سابق به دست جنگ سالاران سرکوبگر و  
فرماندهان محلي و باندهای قاچاق مواد مخدر سقوط كرد و موجی بی سابقه از كشتار، غارتگری، جنایت و ستیزه  
های داخلی ، کوچ داخلی، فرار و آوارگی میلیونی افغانستان را فرا گرفت.

در جریان حمله كه گفته شد كارطالبان است و حزب اسلامي حكمتيارنيزمسووبیت این حمله رابدوش گرفت، دو  
نماینده پارلمان همراه با نو تن دیگر به شدت مجروح وكشته شدند. البته این اولین سوقصد به جان كرزى نیست و  
اولین قدرت نمایی طالبان در کابل هم به شمار نمی رود.

کرزی تاکنون سه بار از سوء قصد جان سالم بدر برده است. قدرت نمایی طالبان در مراسمی که سرمایه گذاری امنیتی فوق العاده ای برای برگزاری مراسم صورت گرفته بود، برخی گزارش هایی را که پیش از این در رابطه با وضعیت وخیم امنیتی افغانستان منتشر شده است تایید می کند. حداقل از نیمه سال میلادی گذشته، جای تردیدی در باره پیشروی های طالبان باقی نمانده است. به گزارش کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل طی سال گذشته یکصد و هفده حمله خونین انتحاری در افغانستان صورت گرفت، حملات تروریستی پنج درصد افزایش یافت و حداقل هشت هزار نفر جان خود را از دست داده اند.

در افغانستان که ترور، انفجار و حمله مسلحانه امری عادی شده است حمله هشتم ثور و سوء قصد به کرزی نباید یک امر عادی تلقی شود. ناامنی که این حادثه برای پایتخت به ارمغان آورد نیز از جنس ناامنی و شورش های حدود هفت سال موجودیت قوای ائتلاف در کشور نیست. حمله به بزرگترین مراسم ورژه نظامی ضربه ای جبران ناپذیری بر پیکر امنیت کشور وارد کرده است. این اتفاق ابعاد روانی، سیاسی و امنیتی گسترده ای به خود گرفت. در داخل کشور این رویداد شکاف و دودستگی جدی را میان احزاب و جناح های سیاسی کشور ایجاد کرده است. در این چند روز آهنگ نقد و انتقاد ها از دولت کرزی حالتی عریان و بی پروا به خود گرفته است به گونه ای که گفته میشود تیم کرزی در حالت هم پاشیدگی و عزم پیوستن به جانب اپوزیسیون را کرده اند. سخنان امرالله صالح درولسی جرگه عزت و حیثیت کمی هم اگر دولت کرزی داشت به صفر رساند.

در جنگ نزدیک به هفت ساله کشور این بزرگترین عملیات طالبان بود. آنها که از ابتدا عملیات های نظامی خویش را با هدف به هم ریختن فضای روانی جامعه خسته افغانستان پیش می برند این بار در عملیات خویش توانستند نه تنها مردم کشور بلکه افکار عمومی جهان غرب را تحت تأثیر قرار دهند.

طالبان در یک سال اخیر بارها از طریق حمله انتحاری پایتخت (شهرکابل) را هدف قرار داده اند و چندین عملیات سوء قصد علیه مقامات ارشد کشور طراحی کرده اند که وزیر دفاع در پارلمان این کشور اعتراف کرد که فقط در سه مورد از این عملیات ها خود وی مورد سوء قصد قرار گرفته است. فقط در سال گذشته آنان هفده حمله انتحاری، صد

و بیست و پنج حمله زمینی، صد و پانزده انفجار و بیش از هزار حمله راکتی علیه مقر نیروهای امنیتی انجام داده اند و طبق گفته عبدالرحیم وردک وزیر دفاع، ۶۱۱ تن از نیروهای اردوی ملی قربانی این حملات بودند.

طالبان برای اجرای نقشه خویش روزی نمادین را انتخاب کردند، روزی که در نظر کرسی نشینان کابل تاریخ این سرزمین برش تازه ای می خورد، هشتم ثور خاطره بزرگ را برای آنان دارد فتح و غلبه نظامی بر اردوی سرخ و فتح کابل توسط گروه های جهادی. اگرچه طالبان را در عالم ایدئولوژی هیچ نسبتی با این دو رویداد نیست زیرا آنها به رخ هر دو بخش از فاتحان دو جنگ شمشیر کشیده اند اما در انتخاب روز هشتم ثور به حرکتی پرمعنا دست زد تا خاطره سومین شکست تاریخی یعنی شکست اردوی آمریکا و ناتو را هم بر آن فهرست بیفزاید و از این رهگذر نگاه

یأس آلود و سردرگم مردم را متوجه یک دگرگونی در عقربه سیاست این سرزمین کند. بنابراین برخلاف آنچه از ظاهر حادثه برمی آید هدف طالبان به هیچوجه کرزی نبوده است. به تعبیر زیبایی یک تحلیلگر عرب گلوله هایی که از اسلحه یک مهاجم به مراسم شلیک شد به ظاهر جان و جایگاه کرزی را هدف گرفت اما مقصد واقعی آن خیل دیپلمات هایی بودند که هر کدام نمایندگی یکی از ۲۶ کشور عضو ناتو را در جنگ یدک می کشند و با آنکه آنها از این حمله جان سالم بدر بردند اما کابوس ناامنی اکنون بر سر مقرهای فرماندهی قطعات ناتو سایه افکنده است.

کافی است به فهرست مهمانان مراسم نگاه شود و ویلیام وود سفیر آمریکا به اتفاق رؤسای قوای سه گانه افغانستان، رهبران جهادی، دیپلمات های خارجی، فرماندهان ناتو و شخصیت های سیاسی از زمره حاضران در این مراسم بودند که در فردای هشتم ثور با موجی از پرسش و انتقاد در رسانه های کشور متبوع خویش روبرو شدند. هیچ اتفاقی به اندازه هشتم ثور نمی توانست ضعف نیروهای دولتی و لشکر پر سازوبرگ ناتو را در باتلاق افغانستان آشکار سازد. بویژه حقایق ناگواری که از حاشیه این مراسم رسانه های صوتی و تصویری به جهان مخابره کردند ضربه ای بزرگ بر عزم و اراده اردوی ناتو و نمایندگی متعدد استخبارات غربی و هم اردو، پولیس و امنیت ملی وارد کرد. تصویرهایی که از فرار و دستپاچگی جنرال ها و تفنگدارانی حکایت می کرد که نشان پاسبانان صلح در کشور را بر بازوورتنه های بزرگ نظامی را بردوش دارند.

شاید حمله کنندگان هم تصور نمی کردند که حمله هشتم ثور این اندازه آسمان تیره سیاست افغانستان را برای ناظران جهانی شفاف سازد. حمله به کرزی در وضعی رخ داد که محافل داخلی درگیر مجادله عمیق بر سر دو موضوع استراتژیک در باره آینده این کشور هستند: مجادله بر سر توانایی دولت کرزی در کنترل امور کشور بویژه تأمین امنیت و دوم بحث بر سر کارآمدی نیروهای خارجی.

همه تلاش آمریکا و ناتو در هفتمین سال جنگ افغانستان این بود که جنگها را ناچیز و ناامنی ها را محدود جلوه دهند. گزارش یکطرفه از میدان های جنگ باعث می شد که هیچ کس تصویر درستی از موقعیت دو طرف جنگ بدست نیآورد. دامنه این پنهانکاری تا آنجا بود که کارلوس برانکو سخنگوی نیروهای (آیسااف) چند روز پیش از این واقعه ادعا کرده بود که بخش هایی که دولت بر آن کنترل ندارد بسیار اندک است و این مناطق در کنترل طالبان نیز قرار ندارد. برانکو گفته بود: دامنه اقدام ها تروریستی در افغانستان بسیار محدود شده است. در چهار ماه اخیر در سی و هشت درصد ولسوالی ها درگیری های مسلحانه روی داد اما در شصت و دو درصد ولسوالی های کشور ما شاهد هیچ گونه درگیری مسلحانه نبوده ایم.

اما اکنون این تصویر آشفته از جنگ با هر گزارشی مخدوش تر می شود تا جایی که اداره امنیت ملی آمریکا اعلام کرد دولت افغانستان فقط بر سی درصد خاک این کشور کنترل دارد. با این اتفاق اکنون بسیاری از واقعیت ها روشن شده است و کفه این مجادله بزرگ در داخل و خارج به سمت منتقدان کارنامه جنگی بوش و متحد او در کابل تغییر کرده است. تصویرهای این حادثه مدرکی شد که راه را بر انکار واقعیت های جنگ بست. اما بیش از همه در این باره گزارش خبرگزاری رویتر از کابل قابل تأمل بود که نوشت ۶۶ درصد افغان ها از افسردگی یا اختلالات روانی رنج می برند. این گزارش تأکید می کرد که نفرت و نارضایتی عمومی دامن آمریکا و دولت کرزی را گرفته است. گزارشگر رویتر نوشته بود: وضع روحی و روانی بسیاری از افغان ها را می توان به دسته ای هیژم بسیار خشک تشبیه کرد که با کوچکترین جرقه ای مشتعل و به آتش کشیده می شود. وضع روانی این مردم بر عملکرد بسیاری از نهادها، دولت و پارلمان تأثیرگذار است.

شماری از مردم افسرده به مصرف مواد مخدر تمایل پیدا می کنند و شماری دیگر از فقر و بیکاری توسط باندهای طالبان جذب می شوند و این چرخه شومی است که مردم افغانستان با آن دست به گریبانند. به هر حال اعتراضات وزیران دولت کرزی و بیانیه های ناتو و آمریکا در فردای حادثه همگی دلالت بر این داشت که واقعه هشتم ثور می تواند نقطه عطف تازه ای در کارزار سیاسی کشور باشد.

وزیر دفاع افغانستان گفت حمله تروریستی به جشن هشتم ثور در کابل وجهه ملی و بین المللی دولت و نیروهای امنیتی افغانستان را خدشه دار کرد. در همان حال بسیاری از شبکه های انگلیسی گزارش دادند که این حمله تردید بعضی اعضای ناتو برای ادامه جنگ را دوباره دامن زده و احتمال خروج شرکت های فعال در افغانستان از این کشور را شدت بخشیده است.

تاحدی که گزارشگر شبکه الجزیره نوشت حمله در جایی انجام شد که چند ماه پیش نیز تنها هتل پنج ستاره در آن مورد حمله واقع شد. چنان که پس از حمله چند ماه پیش به هتل پنج ستاره در مرکز کابل، بسیاری از اتباع کشورهای غربی تصمیم گرفتند افغانستان را ترک کنند. کم از کم تصمیم های شتابزده ای که در فردای حمله، آمریکا و شورای امنیت گرفتند می توان وضع فاجعه گونه افغانستان را فهمید. شورای امنیت سازمان ملل متحد با صدور بیانیه ای این حمله تروریستی را که در آن سه تن جان باختند بشدت محکوم کرد. در بیانیه شورای امنیت از تمام کشورها خواسته شد تا با دولت افغانستان برای مجازات تروریست ها و سازمان دهندگان و تأمین کنندگان آنها همکاری کنند. اعضای شورای امنیت همچنین درخصوص تهدیداتی که طالبان، القاعده، گروه های مسلح غیر قانونی، جنایتکاران و دست اندرکاران قاچاق تولید و مواد مخدر برای مردم افغانستان و امنیت این کشور به دنبال دارند هشدار داد.

به دنبال آن آمریکا ضمن تصویب بیانیه ای در شورای امنیت برای تشکیل جبهه حمایت از کرزی برای نخستین بار طی سال ها حضور نظامی در افغانستان، نیروهای تفنگدار خود را به این کشور اعزام کرد. واکنش آمریکا و ناتو به اتفاق هشتم ثور اعزام قطعات تازه نفس نظامی بود اما واکنش گروه ها و جناح های سیاسی داخل کشور به این ماجرا گشودن دوسیه سنگین بازخواست از ادارات دولتی شد. وزیران دفاع، داخله و رئیس اداره امنیت ملی در ولسی جرگه استیضاح شدند. در پایان استیضاح که رأی گیری شد - عبدالرحیم وردک وزیر دفاع، ضرار احمد مقبل وزیر داخله و امرالله صالح رئیس اداره امنیت ملی هر چند از ترکش بحران هشتم ثور جان سالم بدر بردند و سلب اعتماد نشدند اما این جلسه خود آتش اختلافی بزرگ را شعله ور ساخت. دعوی بزرگی که از مدت ها پیش میان چهره های سیاسی و جهادی با دولت کرزی بر سر نحوه عملکرد او و ناکامی های ناتو بروز کرده بود با این اتفاق وارد مسیر غیرقابل بازگشتی شد.

همه این اختلافات در تریبون پارلمان که اکنون پایگاه منتقدان کرزی شده است تبلور می یابد. در روز استیضاح وزیران دفاع، داخله و امنیت هیچ پاسخ قانع کننده ای برای منتقدان نداشتند. آنها تریبون استیضاح را به جنگ تسویه حساب با منتقدان تبدیل کردند. سخنان رئیس امنیت ملی در باره دلایل پیشروی طالبان همان توجیهاتی بود که قبل از این از زبان سخنگویان ناتو بیان شده بود.

بدترین بخش این ماجرا آنجا بود که وزیران کرزی به تهدید منتقدانشان پرداختند. اما درگیریهای پارلمان بخشی از دو حادثه مهمی است که در واقع سرلوحه رویدادهای افغانستان را در سال ۲۰۰۸ تشکیل می دهند. رویداد نخست همانا اولتیماتوم نانوشته ای است که افغان ها به نیروهای بین المللی و دولت کابل برای برقراری امنیت در این سال داده اند.

چنان که در گزارش رویتر و دیگر رسانه های غربی نیز آمده است: کاسه صبر مردم لبریز شده است و در وضع انفجار آمیز، اردو ناتو و نیروهای کرزی با زمان اندکی برای به انجام رساندن مأموریت خویش روبرو هستند. کرزی و وزیر دفاع هنوز نخستین وعده خویش برای ایجاد اردوی ملی را به انجام نرسانده اند و مردم ستم دیده همچنان در برابر حملات انتقام جویانه بی طالبان بی پشتوانه مانده اند.

اما رویداد دوم در مبارزه انتخاباتی برای ریاست جمهوری آینده کشور نمایان خواهد شد. دعوا بر سر رهبری آینده که از مدت ها قبل شروع شده بود اکنون با این حادثه وارد مرحله جدی تری شد. آمریکا و شورای امنیت نیز با همین انگیزه صف حمایت از کرزی را تشکیل دادند. این حادثه چشم انداز حضور کرزی در انتخابات را با دشواری روبرو کرد. کرزی که سال ۲۰۰۷ یکی از خونین ترین سال ها را گذراند اکنون در سال جدید با وضع بغرنج تری

روبرو است. وی پیش از این گفته بود که در سال ۲۰۰۹ برای یک دوره دیگر در انتخابات ریاست جمهوری شرکت می کند. کرزی اکنون یک تغییر لحن داده است و سعی می کند واقعیاتی که تا دیروز پذیرش آنها را سخت می دید این بار اعتراف کند. او به صراحت گفته است که طالبان اکنون قدرت گرفته اند هرچند اضافه می کند که آنها بدون حمایت دیگران قدرتی نخواهند داشت.

در سالی که پیش روست کرزی چند مأموریت مهم پیش رو دارد و بخت سیاسی آینده او نیز بسته به انجام این مأموریت ها است. شاید یکی از جدی ترین تکالیف وی قطع منابع خارجی طالبان بویژه پیوندهای آنان با جریان های داخل پاکستان باشد. کرزی در این باره در پاسخ به سؤال منتقدانش، اقرار کرده همه چیز درباره فردای افغانستان بستگی به این دارد که منابع حمایت از افراطی گری در منطقه پایان یابد و اگر این کار را نکنیم، تصویر، سیاه و ملال انگیز خواهد بود؛ هم برای پاکستان و در نتیجه برای افغانستان. دیگر تغییر لحن کرزی که درست در آستانه سوء قصد صورت گرفت این بود که او برای نخستین بار جبهه آمریکا و ناتو را زیر سؤال برد. کرزی در سخنرانی که با استقبال منتقدانش روبرو شد گفت که افزایش نیرو و تنها راه چاره افغانستان نیست و ناتو و آمریکایی ها در این جنگ باید صریح و صادق باشند.

او با این گلایه منتقدانش همنا شد که غرب در تعهداتش برای افغانستان و قولی که برای بازسازی کشور و نیز ایجاد اردو پولیس ملی داده بود صادق نبوده است. این سخن کرزی می تواند مجوزی برای کلیه نیرو ها و احزاب باشد تا اولتیماتوم خویش را برای ایجاد اردو پولیس ملی و نیز بازسازی کشور به عنوان دو اصل مصوب در اجلاس بخارست ناتو با جدیت پیگیری کنند. اما هنوز هیچ نشانه ای از این نیست که کرزی قصد تغییر در تصمیمی که برای سال ۲۰۰۹ و تصدی دوره دیگر ریاست جمهوری گرفته است داشته باشد. او همچنان می گوید: من کارهایی دارم که باید به انجام برسانم و تعهداتی بر دوشم بوده که به انجام نرسانده ام.

اما بدون شك کرزی برای رسیدن به این هدف دشوار باید از سد بلندی از رقبا عبور کند که اکنون در ائتلافی به نام «جبهه ملی» گرد آمده اند جبهه ای که اساساً فلسفه تشکیل خود را ناکامی آمریکا و ناتو در تامین امنیت قرار داده است. این جبهه به رهبری برهان الدین ربانی در کابل رسماً اعلام موجودیت کرده است.

در این تشکل سیاسی شماری از سران جنگ و تفنگ ( جنگ سالاران ) حضور دارند. خود ربانی تشکیل این تشکل را با ترکیب کنونی آن به عنوان گامی جدید و تجربه نو در حیات ملی و سیاسی کشور دانسته و اظهار داشته است: تجربه نشان داده زمانی که بحران سنگین امنیتی، اجتماعی و سیاسی دامنگیر کشور ها می شود عبور از آن به تنهایی امکان پذیر نیست.

به باور رهبران این جبهه دوران مهلت کرزی و پروژه آمریکا به اتمام رسیده است. ربانی می گوید: پس از حضور جامعه جهانی هنوز هم بر بستر بحران حرکت می کنیم بطوری که امنیت و ثبات سیاسی تکمیل نشده است ( اما ربانی نمیگوید که در دوران زمامداری خودش چقدر امنیت و ثبات سیاسی وجود داشت، متأسفانه ربانی کورخودبینی دیگری است ). بحران بی اعتمادی هنوز خاتمه نیافته و وضع اقتصادی و اجتماعی مردم خوب نشده و آتش نفاق قومی و جناحی در حال زیاده کشیدن است.

نکته قابل تأمل این است که این جبهه شعارهای خویش را بر پایه ای قرار داده است که نارضایتی مردم متوجه آنها است. آنها می گویند: ضعف دولت در حل بحران و ظهور مافیای فساد به اعتراف برخی مسولان عالی رتبه دولتی، تهدید جدی امنیتی را متوجه کشور کرده است. در این جبهه کرزی با چهره های رقابت می کند که هر کدام می توانند یکی از مدعیان جدال انتخاباتی ۲۰۰۹ باشند. در پایان ششمین سال حضور نیروهای خارجی در افغانستان شمار نیروهای آمریکا و ناتو بیشتر از چهار هزار نفر بود، با تشدید وخامت امنیتی اوضاع این تعداد اکنون به هفتاد هزار نفر رسید. از این تعداد حدود سی و پنج هزار نفر نظامیان آمریکایی و باقی نظامیان عضو کشورهای ناتو هستند.

همزمان با حمله جدید طالبان در کابل، خبرگزاری ها اعلام کردند که افراد جدیدی از تفنگداران آمریکا از قطعات بیست و چهار ضربتی نیروی دریایی حدود سه هزار و پنجاه نفر برای استقرار در هلمند که در دو سال اخیر بسیاری از مناطق آن تحت کنترل طالبان قرار دارد، اعزام شده اند.

طالبان بخش های وسیعی از مناطق جنوب و شرق افغانستان را تحت کنترل خود دارند و بیشترین حملات آنها از این مناطق صورت گرفته است. گزارش های رسمی می گوید که حدود ده درصد خاک افغانستان در کنترل طالبان است، اما در گزارش واقعی تری که در ماه نوامبر سال گذشته از سوی یک گروه لابی با تجربه طولانی حضور در منطقه انتشار یافته بود، تاکید شده بود که طالبان ها در پنجاه و چهار درصد افغانستان حضور دایمی دارند و علیرغم حضور ده ها هزار سرباز ناتو و میلیارد ها دالر کمک، طالبان که در حمله آمریکا از قدرت رانده شدند، اکنون مناطق بسیار گسترده از جمله علا قدریها و ولسوالی ها، و راه های ارتباطی را بدون هر نوع چالشی تحت کنترل خود گرفته اند.

دو علت مهم پیشروی طالبان- یکی موجودیت جنگ سالاران و ناقضین حقوق بشر و گروهبندی های حاکم بر کابل است که در واقع کلسیونی از جنایتکاران جنگی دو دهه اخیر، فرماندهان قاچاقچی محلی، روسای قبائل، اشخاص دوتابعیتی که چندان دلگرمی به افغانستان نداشته و با از دست دادن کرسی و منافع سرشار راهی کشور که تابعیت دریافت نموده اند، میشوند. و دوم، فروپاشی اقتصادی و اجتماعی کشور در اثر حکومت آنان در همراهی با

خارجیها. به اساس گزارش یاد شده، میلیون ها نفر در کشور در وضعیت فلاکت باری به سر می برند و موقعیت فاجعه بار انسانی در آن قابل قیاس با فقیرترین بخش های آفریقا است.

این در حالی است که کشور پس از سقوط طالبان بیش از پانزده میلیارد دالر کمک دریافت کرده ولی بنابر گزارش اکسفام بیشتر این کمک ها به دست مردمی که به آن نیاز دارند نمی رسد یا صرف پروژه های توسعه پایدار که بتواند وضع زندگی مردم را بهبود بخشد نمی شود.

مت والدمن مشاور امور سیاست گذاری موسسه اکسفام در گزارشی که در کابل انتشار یافت تاکید کرد که کشورهای غربی که وعده کمک مالی به بازسازی افغانستان داده بودند، از انجام وعده خود سرباز زده اند. آمریکا از سال ۲۰۰۲ میلادی تا سال جاری تنها به نیمی از تعهدات مالی خود عمل کرده است. کمیسیون اروپا و دولت آلمان کمتر از دوسوم تعهدات خود را انجام داده اند و بانک جهانی نصف تعهد ۶/۱ میلیارد دالری را ارائه داده و انگلستان از وعده ۴۵/۱ میلیارد دالری خود، ۳/۱ میلیارد دالر را تاکنون در افغانستان به مصرف رسانده است. ۴۰ درصد از پول های مصرف شده در افغانستان به کشورهای اهداکننده برگشته و بیشتر این پول ها صرف پرداخت به شرکت های قراردادی و حقوق مشاورین شده است.

این گزارش در باره بقایای کمک های مالی مثالی از نحوه مصرف پول ها می زد ه می گوید: يك جاده از مرکز شهر تا میدان هوایی کابل بیشتر از ۳/۲ میلیون دالر در هر کیلومتر مصرف داشته که این پول چهار برابر مصرف ساخت يك جاده در کشور می باشد.

در حالی که خارجیان موجود در افغانستان با همان هسته اصلی باصطلاح - جامعه جهانی- زیر عنوان کمک به بازسازی افغانستان، پول مالیات دهندگان کشورهای خود را صرف تامین مخارج ماشین جنگی شان در افغانستان ویران شده و بمباران مناطق مسکونی مردم فقیر می کنند و بقایای کمک ها از سوی ادارات مستقل، وزارتخانه ها، اطرافیان و تیم وابسته کرزی و جنگ سالاران منفعت طلب بلعیده می شود، فقر و فلاکت مردم کشور دائم رو به گسترش است. براساس یک گزارش جدید که همزمان با خبر سو قصد به کرزی انتشار یافت، همین اکنون در افغانستان در هر بیست و هشت دقیقه یک زن در هنگام زایمان جان خود را از دست می دهد! به گزارش یونیسف متوسط بیسوادی در بزرگسالان حدود هفتاد و یک درصد است.

در مورد زنان هشتاد و شش درصد. حدود سی درصد کودکان واجب التعلیم برای کمک معاش به خانواده هایشان کار می کنند. چهل و پنج درصد زنان از خشونت جنسی شاکی اند. بیش از شصت درصد ازدواج ها اجباری است. پنجاه و هفت درصد عروس ها زیر شانزده سال سن دارند. وضع خدمات صحی فاجعه بار است. در بدخشان برای هفت هزار زن تنها یک کلنیک وجود دارد که آن هم داکتر ندارد.

مین های فرش شده هنوز ماهانه شصت تا نود نفر قربانی می گیرند. اکنون فقط کشت تریاک است که در افغانستان ویران شده رونق دارد. به تخمین سازمان ملل متحد کشت تریاک در سال جدید به صورت عمده مشابه محصول ثبت شده سال گذشته یعنی یکصد و نود و دو هکتار زمین و یا فقط اندکی کمتر از آن خواهد بود.

با این وضعیت روشن است که ریشه تغذیه طالبان و گسترش روزافزون نفوذ این نیروی ارتجاعی در کجاست. اعتماد به نفس آنها اکنون به حدی رسیده است که حتی دعوت های مکرر کرزی رد می کنند و تلاش او که قوانین شریعت و اعدام ها را برای نزدیکی به طالبان دوباره برقرار کرده است را بی پاسخ می گذارند. نیروهای خارجی مستقر در کشور همانقدر در بیرون راندن طالبان از افغانستان در آغاز حمله به افغانستان سهیم اند که در رسیدن آنها به دروازه های کابل در سال جدید .